

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگرشی به تعدد زوجین

مؤلف: عبدالله بن عبدالحمید الاثری

مترجم: پدram اندایش

نام کتاب: نگرشی به تعدد زوجین
مؤلف: عبدالله بن عبدالحمید الاثری
مترجم: پدرام اندایش
ناشر: بوکان - انتشارات
نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۶
چاپ: بوکان - رامان
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

مقدمه

الله تبارک و تعالی در کتاب عزیزش درباره‌ی مؤمنان همراه همسرانشان در بهشت جاودان می‌فرماید:

﴿وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾

[البقرة: ۲۵] (و برای آنها در آن همسران پاکی خواهد بود و آنها در آن جاودان هستند).

الله تعالی می‌فرماید: ﴿كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ﴾ [الدخان: ۵۴] (این چنین است که آنها را به ازدواج حوری‌های بزرگ چشم در می‌آوریم).

همچنین می‌فرماید: ﴿فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّ أَنْسُ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ﴾ [الرحمن: ۵۶-۵۸] (در آنها [حوریانی] فروهشته چشم هستند که دست هیچ انسان و جنی قبل از آنها به آنان نرسیده است * پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟ * گویی آنها

به مانند یاقوت و مرجان هستند).

می‌فرماید: ﴿فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حَسَنَاتٌ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ﴾ [الرحمن: ۷۰-۷۲] (در آنها زنان برگزیده‌ی زیبا هستند * پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟ * حوریان نگه داشته شده در خیمه‌ها).

پیامبر ﷺ فرموده است: «أول زمرة تدخل الجنة على صورة القمر ليلة البدر، والذين على إثرهم كأشد كوكب إضاءة، قلوبهم على قلب رجل واحد، لا اختلاف بينهم ولا تباغض، لكل امرئ منهم زوجتان، كل واحد منهما يرى مخ ساقها من وراء لحمها من الحسن، يسبحون الله بكرة وعشيًا، لا يسقمون ولا يمتخطون، ولا يبصقون؛ آيتهم الذهب والفضة، وأمشاطهم الذهب، وقود مجامرهم الألوة، ورشحهم المسلك» (اولین گروهی که وارد بهشت می‌شوند، چهره‌هایشان مانند ماه شب چهارده است. و کسانی که بعد از آنها می‌روند از ستاره درخشانتر

هستند. قلبهایشان، قلبی واحد است. آنان، هیچگونه اختلاف و بغض و کینه‌ای به یکدیگر ندارند. هر یک از آنان، دو همسر دارد که از شدت زیبایی، مغز ساقهایشان از ورای گوشت، دیده می‌شود. و صبح و شام، الله [تعالی] را تسبیح می‌گویند. [در آنجا] بیمار نمی‌شوند و آب بینی و دهان نمی‌اندازند. ظرفهایشان از طلا و نقره است و شانه‌ی موهایشان از طلا و آتشدانهایشان از عود، ساخته شده است و عرقشان، مُشک است.^(۱)

همچنین فرموده است: «الخيمة درة مجوفة، طولها في السماء ثلاثون ميلاً، في كل زاوية منها للمؤمن أهل لا يراهم الآخرون» (خیمه در آنجا، مرواریدی تو خالی است، طول آن به سوی آسمان سی میل است و در هر گوشه‌ای از آن برای مؤمن اهلی وجود دارد که دیگران

(۱) رواهما البخاری: (کتاب بدء الخلق، باب: ما جاء في صفة الجنة وأنها مخلوقة).

آنها را نمی‌بینند^(۱).

در روایت مسلم آمده است: «للمؤمن فيها أهلون»
(برای مؤمن در آنجا اهلهایی وجود دارد) و در روایت
دیگر: «فی کل زاویة منها أهل لمؤمن» (در هر گوشه‌ای
از آن اهلی برای مؤمن وجود دارد) و در حدیث سوم:
«یطوف علیهم المؤمن» (مؤمن به دور آنها می‌چرخد)^(۲).

ابوهریره رضی الله عنه گفته است که گفته شد: ای رسول الله!
آیا به زنانمان در بهشت می‌رسیم؟ فرمود: «إن الرجل
لیصل فی الیوم إلی مائة عذراء» (مرد در روز به صد
دوشیزه می‌رسد)^(۳).

(۱) رواهما البخاری: (کتاب بدء الخلق، باب: ما جاء فی صفة الجنة وأهلها مخلوقة).

(۲) رواه مسلم فی کتاب الجنة وصفة نعيمها وأهلها، باب: فی صفة
خیام الجنة وما للمؤمنین فیها من الأهلین.

(۳) سلسلة الأحادیث الصحیحة للألبانی: رقم (۳۶۷).

تعدد زوجین در بهشت

تمامی این آیات و احادیث دلیلی بر این هستند که به مرد در بهشت پُر نعمت بیشتر از یک همسر می‌رسد و این دلیلی است که نظام «تعدد زوجین» امری فطری نزد فرزندان آدم است و این از زمانی که الله تعالی آنان را آفریده است و زمین را برای آنها قرار داده است، وجود داشته است.



تعدد زوجین در دین پیامبران وجود داشته است^۱

تعدد زوجین امری است که تمامی دین‌ها آن را اقرار نموده‌اند و به آن رغبت نشان داده‌اند و این از زمان آدم علیه السلام تا پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه و آله وجود داشته است و

^۱ - مسیحیان و یهودیان داود علیه السلام را به عنوان پیامبر قبول دارند و می‌گویند: «او دارای صد همسر بوده است» همچنین ابراهیم علیه السلام را که می‌گویند: «دارای دو همسر بوده است». (مترجم)

سینه به سینه از آن پیامبران و رسولان علیهم الصلاة والسلام به ما رسیده است.

بلکه تمامی امتهای که بر روی زمین بوده‌اند، این تعدد در آنها وجود داشته است و حتی بعضی از آنها بیشتر از صد همسر داشته‌اند که حتی یکی از آنها ملک یمین نبوده است؛ سپس اسلام همان دین حق آمد و راه وسط را انتخاب نمود و آن را از بی‌حد و مرزی خارج نمود و این بعد از انتشار جهل و فساد در تمامی نقاط روزی زمین بود و اسلام ظلم نمودن به زنان را ممنوع ساخت و حقوق آنها را از به بازی گرفتن آنها حفظ نمود. بله در اسلام فضیلتی وجود دارد که همان تنظیم نمودن تعدد زوجین است.



تعدد زوجین در اسلام

اسلام به مرد اجازه داده است تا با بیشتر از یک زن ازدواج کند، بلکه به آن تشویق نموده است.

الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا﴾ [النساء: ۳] (با آن زنانی که دوست دارید، دو تا و سه تا و چهارتا ازدواج کنید و اگر ترسیدید که عدالت [را بین آنها] رعایت نکنید، پس یکی [از آنها] یا آنچه از ملک یمین که دارید، این نزدیکتر است که ظلم نکنید).

مفسر قرآن ابن عباس رضی الله عنهما گفته است: «زیرا مقام، مقام شکر گذاری و مباح بودن است؛ اگر جایز بود بیشتر از چهار مورد باشد، آن بیان

می‌گردید»^(۱).

حافظ ابن حجر رحمه الله درباره‌ی این آیه گفته است: «وجه استدلال بیان می‌دارد که در آن صیغه‌ی امر آمده است و کمترین درجه‌ی آن مستحب بودن آن است و در آن ترغیب کردن وجود دارد»^(۲).

شیخ علامه أحمد شاکر رحمه الله گفته است: «در قرآن نصی آشکار وجود دارد که [تعدد زوجین] را حلال نموده است؛ بلکه حلال نمودن آن با صیغه‌ی امر آمده است که در اصل واجب بودن را می‌رساند... البته در آن شرطی قرار داده است که همان عدالت بین آنها است... شرط شخصی است و تشریعی نمی‌باشد، به این معنا که شرط به خود شخص بر می‌گردد و در قوانین اجتماعی وضع نشده است؛ الله تعالی به مرد با صیغه‌ی امر اجازه

(۱) انظر: تفسیر ابن کثیر.

(۲) فتح الباری (۱۰۴/۹).

داده است که با آن زنانی که دوست دارد ازدواج نماید»^(۱).

شیخ علامه محمد امین شنقیتی رحمه الله گفته است: «از هدایت قرآن این است که تعدد زوجین تا چهار عدد را مباح ساخته است... شکی نداریم راهی که درست‌ترین راه می‌باشد و عادلانه‌ترین آنهاست، تعدد زوجین را برای اموری که قابل درک هستند و عاقلان آن را می‌دانند، مباح نموده است»^(۲).

امت اسلامی در سخن و عمل، اجماع دارند: کسی که شرط‌ها و ضابطه‌های شناخته شده را رعایت کند می‌تواند، چندین همسر داشته باشد و حتی از یکی از صحابه رضی الله عنه خلاف آن ذکر نشده است. قوی‌ترین دلیل برای آن، ازواج معلم بشریت با چندین زن بوده است و این

(۱) عمدة التفسیر (۱۰۳/۳).

(۲) أضواء البیان (۲۷۷/۳).

امری معلوم می‌باشد و او^{علیه السلام} در حالی وفات نمود که دارای نه همسر بود و همچنین او^{علیه السلام} به زیاد شدن نسل مسلمانان تشویق نموده است، و فرموده است: «تزوجوا الودود الولود؛ فیانی مکاثر بکم الأمم یوم القیامة» (برای دوست داشتن فرزند ازدواج کنید؛ من با زیاد شدن شما در روز قیامت [که] امت [من می‌باشید]، خوشحال می‌شوم)^(۱).

شکی وجود ندارد که از سبب‌های زیاد شدن [مسلمانان] تعدد زوجین است؛ دلیل نیکو بودن زیاد شدن امت مصلحتی است که همان قدرت پیدا کردن در برابر دشمنان اسلام و حمایت از سرزمین‌های مسلمانان و مالها و جانها و مقدسات آنها است و زیاد بودن آنها باعث هیبت دادن به آنها و منزلت یافتن آنها در برابر امتهای

(۱) رواه أبو داود، کتاب النکاح، باب النهی عن تزویج من لم یلد من النساء، وصححه الألبانی فی صحیح سنن أبی داود (۲/۳۸۶).

دیگر است و علاوه بر این کسی به آن امر فرموده است که همان پیامبر ﷺ می‌باشد که الگویی نمونه برای مسلمانان است. الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ [الأحزاب: ۲۱] (برای شما در رسول الله، الگویی نیکو وجود دارد برای کسی که به الله و آخرت امید دارد و الله را بسیار یاد می‌کند).

در تعدد زوجین صحابه‌ی گرامی ﷺ و کسانی که از آنها به نیکی تبعیت کرده‌اند نیز تابع پیامبر ﷺ بوده‌اند و این به شکلی آشکار معلوم می‌باشد. از آنها شناخته نشده است که زنی را آزار دهند، برای آن که با مردی ازدواج کرده باشد و این بین مردم در تمامی زمانها و مکانها وجود داشته است تا آن که به زمان حال ما رسیده است و این تا زمانی بود که رسیدن شرّ به مردم به مرحله‌ی خطرناکی رسید و آن قبول کردن قوانین بشری و قوانین وضع شده توسط انسان که همان مخلوق ناقص است،

می‌باشد و در اینجا بود که تعدد زوجین را اشتباه دانستند. دشمنان قبلی اسلام به آن هجوم آوردند و با وسایل ارتباط جمعی منهدم کننده به سوی آن تاختند و در آن نه رعایت دین را نمودند و نه رعایت عُرف؛ بلکه حتی رعایت ذوقهای سلیم و سرشتهای دست نخورده را نیز نکردند. سپس این قلمهای سمی بودند که شروع به نوشتن درباره‌ی آن نمودند یا سریالها و فیلمهایی را ساختند که در تلویزیونها و سینماها به نمایش گذاشتند و استفاده از دیگر اموری که توسط آن بتوانند به اسلام ضربه وارد کنند. سپس زمان کانالهای ماهواره‌ای و فضائی رسید که توسط آن زمین به روستای کوچکی تبدیل شد و در گوشه‌های زمین به شکلی که در قبل وجود نداشت، فتنه ایجاد نمود و دائماً در تنه‌ی امت بانگ سر داد تا آن که عقیده‌ی در جانها رو به ضعف نهاد و جهل به احکام اسلامی صحیح و تعالیم آن ایجاد شد و تا به آنجا کشیده شد که زنی مسلمان می‌گوید: «من

آرزوی مرگ شوهر خود را می‌نمایم، اگر بخواهد با زنی دیگر ازدواج نماید!!».

دشمنان اسلام و کسانی که در جبهه‌ی آنها هستند، سعی می‌کنند این تصور را ایجاد نمایند که تعدد زوجین، ظلم به زنان است و انجام گرفتن آن توسط مردان از روی شهوت و پستی می‌باشد یا آن که تعدد زوجین جایز نمی‌باشد، مگر در زمانهایی که زن یائسه و مریض است و یا نازا می‌باشد؛ این تا بدانجا پیش رفته است که امر تعدد زوجین نزد مردم نادر شده است. اگر شخصی بخواهد تعدد زوجین داشته باشد، با انگشت اتهام از طرف عده‌ی زیادی از مردم و بر حسب فرق داشتن آنها، مورد اشاره قرار می‌گیرد؛ عده‌ای او را متهم به خوشگذرانی می‌کنند و دیگری او را به زیاده‌روی در شهوترانی متهم می‌کند و شخص دیگری با دل‌تنگی او را نصیحت می‌کند که به این کار اقدام ننماید و این دلیلی ندارد، مگر عدم اعتماد به الله سبحانه و تعالی - چه در قوانین و چه در شرع - و

همچنین ضعیف بودن ایمان آنها به حکمهای دین بزرگ آنها است. الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ [المائدة: ۵۰] (آیا حکم جاهلیت را می‌جویند؟ و برای گروهی که یقین دارند، چه کسی در حکم دادن از الله [تعالی] نیکوتر است؟)

ردّی بر سخنان آنها می‌آوریم و از آنها سوال می‌کنیم: چه کسی این تعدد زوجین را مباح دانسته است، خالق یا مخلوق؟ چه کسی به بندگان مهربانتر است، خالق عبادت شده یا مخلوق عبادت کننده؟ الله سبحانه و تعالی کسی است که مخلوقات را آفریده است؛ او بسیار باحکمت، بسیار عالم و به بندگانش رؤوف و مهربان می‌باشد؛ از اسرار مخلوقاتش آگاه است؛ و برای آنها قانونی را وضع نمی‌کند، مگر آن که در آن صلاح و منفعت آنان وجود داشته باشد. با ضوابط شرعی و حکمهای والا و نهایت شرافت و اهدافی بلند این قوانین را مقرر نموده

است. وقتی ما به الله تعالی، بر پروردگار بودن، روزی دهنده بودن، حاکم بودن و عادل بودن ایمان داشته باشیم، پس این اعتراض برای چه می‌باشد؟! در واقع برای هیچ کسی جایز نیست که به مشروعیت تعدد زوجین اعتراضی داشته باشد؛ زیرا این اعتراضی به خالق است که بزرگ و والا می‌باشد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ﴾ [الأنبياء: ۲۳] (از او (الله تعالی) برای کاری که انجام می‌دهد، سوال پرسیده نمی‌شود، [بلکه] آنان خود مورد سوال واقع می‌شوند).

حکمت تعدد زوجین به مانند دیگر احکام دین دارای خیر بسیاری می‌باشد، حتی اگر عقلهای ناقص ما آن را در نیابد.

به طور مثال: طلاق شرعاً جایز است؛ زیرا در آن ازدواج، سازگاری و استواری وجود ندارد و بین زن و شوهر ناراحتی وجود دارد و به همین دلیل طلاق حلال می‌باشد و آن رحمتی از طرف الله تعالی برای بندگان

در این حالت می‌باشد. این چنین است قانون تعدد زوجین و آن از نیکویی‌های اسلام و احکام با حکمت آن می‌باشد. تمامی اسلام نیکو است و برای مصلحت تمامی بشریت می‌باشد، مخصوصاً مصلحت مسلمانان و قوانین آن برای مصلحت خاص و عام وضع شده است. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ [المائدة: ۵۰] (و چه کسی برای گروهی که یقین دارند، از الله [تعالی] در حکم دادن، نیکوتر است؟).

حکمت قوانین دین را کسی نمی‌داند، مگر الله سبحانه و تعالی که آفریننده‌ی مخلوقات و عالم و باخبر و حکیم است؛ گاهی مصلحت‌های قوانین دین برای ما آشکار می‌شود و گاهی دیگر برای ما پنهان می‌ماند و این منزلت تمامی قوانین دین است؛ زیرا الله تعالی امر بیهوده- ای را سنت قرار نمی‌دهد؛ در نتیجه بر مسلمان واجب است تا به طور تمام و کمال تسلیم امر پروردگارش ﷻ باشد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ

إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ
وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا [الأحزاب:
۳۶] (و بر مرد و زن مؤمنی جایز نیست که وقتی الله و
فرستاده‌اش امری را حکم نمودند برای آنها اختیاری [در
قبول و رد آن] وجود داشته باشد، [و باید آن را با جان و
دل قبول کنند] و کسی که از الله [متعال] و فرستاده‌اش
نافرمانی کند، به گمراهی آشکاری گمراه شده است).

قانون تعدد زوجین چهارده قرن همراه امت اسلامی بوده
است؛ و نتیجه‌ای جز قدرت، استواری، عزت و سروری
نداشته است؛ ولی خودداری از تعدد زوجین، خواری،
نگ و تبعیت از دشمنان اسلام را به دنبال داشته است و
اتفاقاتی که در بین امت رخ داده است، شاهدهی بر این امر
می‌باشد، والله المستعان.

از آن کسانی که قانون تعدد زوجین را انکار می-
کنند، می‌پرسیم: به جای آن چه دارند؟! جوابی ندارند،
مگر آن که بگویند: عشق و رابطه‌های غیر شرعی، بدون

آن که محدودیتی در تعداد آن وجود داشته باشد؛ سرزمین‌هایی که ادعای تمدن و پیشرفت می‌کنند، تعدد زوجین را بی‌احترامی به زن و ظلم به وی می‌دانند و این در حالی است که برای مرد هر آنچه بی‌بندوباری یا انحراف جنسی که وجود داشته باشد را، جایز می‌دانند؛ تا آنجا که عشق بازی و بی‌بندوباری را بهتر از ازدواج و عفت می‌دانند! [اگر کسی مرتکب لواط یا زنا شود و در حالی که دارای همسر است برای خود دوست دختر اختیار کند، نباید به او حرفی زد، زیرا این اعمال از حقوق بشر می‌باشد، ولی اگر تعدد زوجین داشته باشد و این در حالی است که الله تعالی از آن راضی می‌باشد، صدای همه‌ی آنها به آسمان بلند می‌شود].

آنان منزلی که اسلام به زن داده است را نمی‌شناسند و یا خودشان را به ندانستن زده‌اند. اسلام منزلت

زن را بالا برده و کرامت وی را حفظ نموده است^۱ و ظلم به وی را از هر طریقی برداشته است، پس چگونه می-تواند غیر از این باشد؟ او مادر، خواهر، دختر، عمه و خاله می-باشد و آن نصف جامعه است، بلکه تمامی جامعه؛ زیرا نصف دیگر را او می-زاید [و تربیت می-کند]. کجای عقل حکم می-کند که تعدد زوجین ظلمی به زن است و این در حالی است که الله تبارک و تعالی آن را جایز دانسته است. الله سبحانه در حدیثی قدسی درباره‌ی خودش می-فرماید: «یا عبادى، إني حرمت الظلم على نفسى وجعلته بينكم محرماً؛ فلا تظالموا» (ای بندگان! من ظلم نمودن را بر خودم حرام نموده‌ام و آن را بین شما حرام کرده‌ام؛ پس به یکدیگر ظلم ننمایید!)^(۲).

^۱ - برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به کتاب «گرامی داشت زن در

اسلام» ترجمه‌ی اینجانب رجوع کنید. (مترجم)

(۲) رواه مسلم کتاب البر والصلة والآداب، باب: تحریم الظلم.

حقیقت تعدد زوجین در اسلام، امری طبیعی می- باشد و احتیاجی برای اثبات درست بودن آن وجود ندارد؛ آن امر الله تعالی است و جای بحث کردن ندارد، بلکه باید تسلیم آن بود و مسلمان می‌داند که اسلام تعدد زوجین را مباح ندانسته است، برای آن که حیات را اصلاح نماید و آن را درمانی برای مشکلات آن و بر طرف شدن ضروریات مقرر نموده است و آن دین الله تعالی است که مصلحت فرزندان آدم را به طور کلی می‌داند؛ الله تعالی از روی حکمت والایش و فوایدی که از آن به دست می‌آید، آن را مباح فرموده است و الله سبحانه، ستم به بندگان را جایز نمی‌داند. الله تعالی می- فرماید: ﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ [الملک: ۱۴] (آیا کسی که آفریده است نمی‌داند؟ و او ریزبین [و] بسیار آگاه است).

قانون تعدد زوجین را بشر وضع ننموده است، تا در آن ایرادی وجود داشته باشد و نیکی‌ها و بدی‌ها، هر دو

در آن وجود داشته باشد؛ بلکه آن قانون الهی محکم است و از پیش و پس آن، باطل به آن راه ندارد، الله تعالی می-فرماید: ﴿الرَّكْتُابُ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ﴾ [هود: ۱] (الف، لام، را، کتابی است که آیات آن استوار و محکم شده است [و] سپس آیات آن توسط بسیار باحکمت بسیار آگاه شرح داده شده است).

خطا نمودن در نحوه‌ی اجرای تعدد زوجین

دلیل نمی‌شود تا این حکم را جایز ندانیم

در این که در بعضی موارد در تعدد زوجین ایرادی به وجود می‌آید یا ظلمی صورت می‌گیرد، دلیل بر ضعیف بودن کسی است که به دین عمل نمی‌کند و اجرای غلط قانون تعدد زوجین و تبعیت از هوای نفس در تطبیق آن، می‌باشد و همچنین عدم رعایت تعالیم اسلام به صورت صحیح و فقدان فطرت‌های خالص و تغییر پیدا نکرده می-باشد. این امر احتیاج به درمان دارد و باید برای آن به دنبال دارویی برای این بیماری باشیم. این درمان صورت

نمی‌گیرد، مگر با اصلاح درون‌ها و تزکیه‌ی آنها و برپا داشتن روشهای صحیح، و آن فقط با تربیت بر اساس تعالیم اسلام که همان دین حق است، امکان پذیر می‌باشد. با رجوع به این اعمال غیر اسلامی نمی‌توان نتیجه گرفت که باید قانون تعدد زوجین از بین برود و یا آن که آن را امری ناشایست دانست و این فقط به دلیل انحراف مردم از حق، خیر و هدایت است! چه بسا که به مانند این موارد در کسی که دارای یک همسر می‌باشد نیز به وجود بیاید!

آن خطا کنندگان در تطبیق قانون تعدد زوجین یا عموم مسلمانان، حجتی در دین برای عمل آنها وجود ندارد، بلکه بر علیه تمامی آنان، حجت وجود دارد.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ فَلِلّٰهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ﴾ [الأنعام: ۱۴۹] (بگو: برای الله حجت بلیغ و رسا می‌باشد).

باید بدانیم! در اسلام اصلی وجود ندارد که از روی

عبث وضع شده باشد یا بتوان آن اصل را تغییر داد یا کاملاً تعطیل نمود و اگر این موارد برای رضایت هوای نفس یا یکی شدن با دشمنان آن ایجاد شود و اگر امری از دین که در آن تواتر^۱ وجود دارد، انکار شود، به معنای خارج شدن از دین می‌باشد، والعیاذ بالله.

تعدد زوجین را کسی انکار نمی‌کند، مگر آن که با اسلام مخالفت می‌کند یا شخص حسودی است که می‌خواهد تعداد مسلمانان کم باشد و برای نابودی آنها چشم به راه است و خواستار ضعف آنها می‌باشد، یا آن که دوست دارد که آنها گرفتار زنا شوند، همان گونه که سروران آنها در سرزمین‌های کفر، شرک و بت پرستی به

^۱ - تواتر داشتن یا متواتر وقتی است که راویان خبر آن قدر زیاد باشند که احتمال دست به یکی کردن آنها برای تحریف وجود نداشته باشد و مثال آن قرآن است، زیرا آنقدر راویان آن زیاد بوده‌اند که امکان دست به یکی کردن آنها وجود ندارد. (مترجم)

آن گرفتار شده‌اند.

کسانی که تعدد زوجین را انکار می‌کنند یا آن که در آن ظلمی می‌بینند یا پایمال شدن حق زن را در آن می‌یابند یا از این قانون الهی کراهت دارند، شکی وجود ندارد که به اجماع علماء دچار ارتداد و کفر شده‌اند، حتی اگر خود را مسلمان بدانند.

کسانی که از تعدد زوجین می‌ترسانند و برای از بین بردن آن کوشش می‌نمایند و مردم را از آن برحذر می‌دارند و یا آن را فقط در حالت ضرورت مانند نازا بودن زن یا مریضی مزمن او جایز می‌دانند، در امری قرار گرفته‌اند که از آن منع شده است و آن همان مرتد شدن از اسلام است، زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنْزِلَ اللَّهُ فَأُحْبِطَ أَعْمَالَهُمْ﴾ [محمد: ۹] (این برای آن است که از آنچه الله [تعالی] نازل فرموده است، کراهت دارند و در نتیجه، اعمالشان باطل شده است).

باید به احکام اسلام التزام داشت بدون آن که عقل

بشری را در مقابل آن قرار داد و دچار انحراف شد و باید قلعه‌ای محکم در برابر جنگ فکری ایجاد شده، بنا نهاد. الله سبحانه و تعالی راست گفته است که می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ [المائدة: ۵۰] (و برای کسانی که یقین دارند، چه کسی در حکم دادن از الله [تعالی] نیکوتر است؟).



برای تعدد زوجین ضوابط و شرط‌هایی وجود دارد

از حکمت الله تبارک و تعالی این است که تعدد زوجین را امری واجب و لازم برای مسلمان قرار نداده است و بر زن واجب ننموده است که قبول کند که شوهرش با زنی دیگر و یا بیشتر ازدواج کند و برای تعدد زوجین اساس، نظم، شرط‌ها و ضوابط متعددی را قرار داده است که همگی آنها بر اساس عدالت می‌باشند. اساس آن تأمین راحتی همسران و رفع ضرر از آنها است

و مرد را برای تبعیت از هوای نفس مجاز قرار نداده است، بلکه دست بندی محکم، به مرد زده است و او را مقید به عدالت و قبول کردن مسئولیت‌های زندگی نموده است و همچنین یکجا جمع نمودن زنان نباید بر اساس حرام باشد. او را آزاد نگذاشته است همان طور که قبل از اسلام در تمامی امتهای وجود داشته است و او را محدود به چهار زن نموده است.

علماء رحمهم الله به طور آشکار بیان داشته‌اند که کسی که احکام عطا نمودن و نشوز را نمی‌داند و به مقتضای آن عمل نمی‌کند، بر او حرام است که دارای تعدد زوجین باشد و اگر همسران خود را زیاد کند در دنیا دچار منفور شدن می‌گردد و در آخرت همراه ستمگران محشور می‌شود.



عدالت در تعدد زوجین

عدالت در تعدد زوجین در هر چیز بزرگ و کوچکی می‌باشد، مخصوصاً میل قلبی و دفع شهوت و باید در خوراک، مسکن، لباس و محل خواب عدالت وجود داشته باشد و نباید بین ثروتمند و فقیر فرق گذاشته شود و همچنین کسی که زیباتر است با کسی که زیبایی کمتری دارد. کسی که بترسد که در تعدد زوجین، به حقوق آنها نتواند وفا کند و نتواند بین آنها عدالت برقرار کند، یا به فرزندان بعضی از آنها ظلم صورت گیرد و یا آن که خود را در حالتی ببیند که نتواند در سیاست رفتار با آنها و اجرای حقوق آنها درست عمل کند. بر او واجب است که به یک همسر قناعت کند و همسران بیشتری اتخاذ نکند. الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً﴾ [النساء: ۳] (پس اگر ترسیدید که عدالت را رعایت نکنید، پس به یک عدد [اکتفا کنید]).

ترس در اینجا در مورد امری است که گاهی ممکن است اتفاق بیافتد و یا اتفاق نیافتد و آن قبل از امر نمودن به تعدد زوجین می باشد و فقط مخصوص شوهر نمی باشد و باید نیت نیک وجود داشته باشد و همراه با عمل صالح باشد. الله تعالی می فرماید: ﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا﴾ [النساء: ۱۲۷] (و هر آنچه از خیر که انجام دهید، الله [تعالی] به آن آگاه است).

همچنین پیامبر ﷺ فرموده است: «من کانت له امرأتان؛ فمال إلى أحدهما دون الأخرى، جاء يوم القيامة وشقه مائل» (کسی که دارای دو زن باشد، و به یکی از آنها تمایل بیشتری پیدا کند، روز قیامت در حالی می آید که نصف بدنش فلج است)^(۱).

(۱) رواه أبو داود (کتاب النکاح)، باب فی القسم بین النساء، وصححه

الألبانی فی صحیح سنن أبی داود ۴۰۰/۲.

اسلام به ازدواج تشویق می‌کند

اسلام به طور عمومی به ازدواج تشویق می‌کند و به آن رغبت ایجاد می‌نماید و از روی گردانی از آن، نهی می‌کند، حتی اگر این روی گردانی از برای عبادت کردن باشد و همچنین رسول الله ﷺ آن را از سنت خود قرار داده است و کسی که از آن خودداری کند از وی نمی‌باشد، پیامبر ﷺ بر کسانی که می‌خواستند از آن خودداری کنند رد آورده و فرموده است: «ما بال أقوام قالوا كذا وكذا؟ لکنی اصلی وأنام، وأصوم وأفطر، وأتزوج النساء، فمن رغب عن سنتی فلیس منی» (گروهی را چه شده است که این چنین و آن چنان می‌گویند؟ ولی من [در شب] نماز می‌خوانم و می‌خوابم و روزه [مستحب] می‌گیرم و [در روزی دیگر روزه‌ی خود را] می‌خورم و با زنان ازدواج می‌کنم و کسی که از سنت

من روی برگرداند از من نمی‌باشد)^(۱).

در این حدیث کلمه «النساء» (زنان) به حالت جمع آمده است: شامل یک زن و بیشتر می‌باشد و در اینجا تعدد زوجین از هدایت وی ﷺ قرار داده شده است.

الله تعالی در کتابش، بندگان صالح خود را مدح نموده است و آنها را به مهربانی و ترحم و تعدد زوجین توصیف فرموده است. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ [الفرقان: ۷۴] (و کسانی که می‌گویند: پروردگار ما! از همسران ما و فرزندان ما چشم روشنی برای قرار بده و ما را برای پرهیزگاران امام بگردان!).

به همین دلیل صحابه رضی الله عنهم در بیشتر موارد، بیشتر از یک زن داشته‌اند.

(۱) رواه مسلم، (کتاب النکاح)، باب: استحباب النکاح.

سعید بن جبیر رحمه الله گفته است: «ابن عباس رضی الله عنهما به من گفت: آیا ازدواج کرده‌ای؟ گفتم: خیر، گفت: ازدواج کن که بهترین این امت دارای بیشتر همسران بوده است».

صحابه‌ی فقیه عبد الله بن مسعود رضی الله عنه گفته است: «اگر از اجل من فقط ده روز باقی مانده باشد و من بدانم در آخر آن می‌میرم، ازدواج می‌کنم از ترس آن که مبادا به فتنه بیافتم»^(۱).

امام ابن قدامة مقدسی رحمه الله گفته است: «زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج نمود و تعد زوجین خود را زیاد کرد و صحابه رضی الله عنهم این کار را انجام دادند و پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه‌ی وی، خود را به چیزی مشغول نمی‌کردند، مگر آن که آن عمل برتر باشد و صحابه این گونه بودند که امر برتر را

(۱) انظر: (المغنی) لابن قدامة، (۴/۴۴۶).

ترک نمی‌کردند و امر پایین‌تر را انتخاب نمی‌نمودند»^(۱).

قاضی عیاض رحمه الله گفته است: «درباره‌ی ازدواج در شرع و عادت، اتفاق نظر وجود دارد؛ زیرا آن دلیل بر کامل بودن و درست بودن مردانگی می‌باشد و نباید همان‌طور که عادت شده است برای زیاد کردن زنان در عادت نیک، دائماً تفاخر وجود داشته است و در سیره‌ی گذشتگان از آن ستایش شده است و اما در دین سنتی است که سینه به سینه رسیده است... بی‌رغبتانی به دنیا از صحابه رضی الله عنهم بودند که دارای زنانی بودند و دارای ملک یمین زیادی بودند و آن را علی، حسن و ابن عمر رضی الله عنهم حکایت کرده‌اند»^(۲).

امام احمد رحمه الله گفته است: «در این زمان مردی را می‌بینم که با دو یا سه یا چهار زن ازدواج

(۱) انظر: (المغنی) لابن قدامة، (۴/۴۴۷).

(۲) انظر: (الشفاء) (۱/۸۸).

می‌کند و هدف او از این کار غفت داشتن است»^(۱).

می‌گوییم: پس در زمان ما چگونه خواهد بود؟
زمان فتنه‌ها و کانالهای ماهواره‌ای!! الله تعالی به طلب
کنندگان کمک، کمک می‌نماید و فقط بر او توکل
می‌نماییم.

حافظ ابن حجر رحمه الله گفته است: «اسلام مرد
را تشویق می‌کند که بیشتر از یک زن داشته باشد، همان
گونه که در قرآن کریم و سنت پاک آمده است».

ابن کثیر فی تفسیر این سخن الله تعالی گفته است:
﴿مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ﴾ [النساء: ۳] (دو تا و سه تا و چهار
تا) به این معناست: هر اندازه که خواستید با زنان ازدواج
کنید! اگر یکی از شما خواست با دو نفر ازدواج کند و
اگر خواست با سه نفر و اگر خواست با چهار نفر^(۲).

(۱) طبقات الحنابلة، لابن أبي يعلى.

(۲) فتح الباری (۱۰۴/۹).

حکم تعدد زوجین

عموم این گونه بیان داشته‌اند که آن سنت است و رخصت نمی‌باشد و این برای کسی است که بتواند، شرطهای آن را ادا کند. به همین دلیل الله تعالی برای فرستاده‌اش تعدد زوجین را برگزید و او سبحانه چیزی را برای او بر نمی‌گزید، مگر آنچه که برتر، نیکوتر و کاملتر باشد؛ زیرا او ﷺ الگوی مسلمانان و امام آنها می‌باشد و بر مسلمانان واجب است که از او اطاعت کنند و به وی اقتدا نمایند و به سنتش تمسک جویند. از هدایت او دوست داشتن زنان بود، فرموده است: «حُبِّبَ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا النِّسَاءُ وَالطَّيِّبُ، وَجَعَلَ قِرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» (از دنیا زنان و عطر را دوست دارم و چشم روشنی من در نماز است)^(۱).

(۱) رواه النسائي كتاب عشرة النساء، باب: فحب النساء، وصححه

الألبانی فی صحیح سنن النسائي (۳/۸۲۷).

آنچه که معلوم است، جسم مرد از زن قوی‌تر و کاملتر است و آنچه که به زنان از حیض و حاملگی و وضع حمل و شیردادن می‌رسد به او نمی‌رسد؛ به همین دلیل مرد دارای قدرت بیشتر و شهوت قوی‌تر و قدرت زندگی بیشتری نسبت به زن می‌باشد و رغبت او به زنان حتی اگر سن او زیاد باشد [بیشتر از رغبت زنان به مرد است] و این تا زمان مرگ او ادامه دارد. اینجاست که مرد بیشتر مردان قدرت جنسی گردنکشی وجود دارد و آنها دارای میل زیادی به زنان هستند و این گونه است که به صورت نادر یافت می‌شود که یکی از آنها به یک زن راضی باشد و مخصوصاً که در بعضی مواقع زن نمی‌تواند نیاز مرد را تأمین کند، مانند زمان حیض، حاملگی، نفاس و مریضی و دیگر مواردی که از بهرمنشدن از زن جلوگیری می‌شود، به همین دلیل باید راه‌های مشروعی برای چنین زمانهایی ایجاد گردد و همچنین رغبت زن به نزدیکی کمتر از رغبت مرد به آن می‌باشد و این باعث

خجالت کشیدن وی می‌شود و بیشتر زنان میل به زیاد بودن نزدیکی با مردان را ندارند و از آن خودداری می‌کنند و توانایی جذب مرد را ندارند، مخصوصاً وقتی که عمر آنها زیاد می‌شود.

معلوم است که زیاد کردن معشوقه برای مرد به مراتب از زیاد کردن زنان عقدی راحت‌تر است و برای او هزینه‌ی کمتری به صورت مادی و معنوی دارد، زیرا مسئولیتی بر گردن وی نمی‌گذارد، پس مسلمانی که از الله ﷻ می‌ترسد و علم یقین دارد که الله سبحانه و تعالی در تمامی امور مراقب اوست چه کاری باید انجام دهد وقتی زندگی او در سختی و مجاهدت قرار می‌گیرد و امر او بین دو انتخاب یکی از دو آتش واقع می‌شود؟! والله المستعان.

قدرت رغبت جنسی در مرد، امری فطری می‌باشد که بر اساس آن آفریده شده است و اگر آن بالاتر از طاقتش باشد، بر وی غلبه می‌نماید و کسی که او را

آفریده است، عالم‌تر به چیزی می‌باشد که برای او اختیار نموده است. در این حالت است که تعدد زوجین مباح می‌گردد و عمل کردن به آن، مباحی از طرف الله تعالی می‌باشد و مصلحت مرد ایجاد می‌گردد و او را به استقامت نمودن و عفت سوق می‌دهد. ولی مردی که به اسلام التزام ندارد در کاری خود را قرار می‌دهد که الله تعالی آن را حرام نموده است و به نزد زنان از راه‌های غیر مشروع می‌رود و این فرق بین این دو حالت است [یا ازواج حلال، یا رابطه‌ی نامشروع که نزد بسیاری از دشمنان اسلام، رابطه‌ی نامشروع بهتر است و از حقوق بشر می‌باشد]... والله المستعان.

سپس چه چیزی مانع می‌شود که مرد شهوتش را در چیزی قرار دهد که قسمتی از کیانش است و آن راهی شرعی می‌باشد؟ و این از بزرگی اسلام و نعمت الله تعالی برای بندگانش است. الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾

[الأعراف: ۳۲] (بگو: چه کسی زینتی را که الله [تعالی] برای بندگان خارج نموده است و روزی پاک را حرام کرده است؟)

پیامبر ﷺ فرموده است: «ما تركت بعدی فتنة أضر على الرجال من النساء» (بعد از خود فتنه‌ای را برای مردان پر ضررتر از زنان ترک ننموده‌ام)^(۱).

حافظ ابن حجر رحمه الله گفته است: «فتنه‌ی زنان شدیدتر از فتنه‌های دیگر می‌باشد و این سخن الله تعالی شاهدی برای آن می‌باشد: ﴿زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ﴾ [آل عمران: ۱۴] (برای مردم حب شهوت نسبت به زنان زینت داده شده است) آنان را دوست دارنده‌ی شهوات معرفی نموده است و آن را قبل از موارد دیگر آورده است، زیرا اشاره دارد که برای بقیه اصل

(۱) رواه البخاری کتاب النکاح باب: ما يتقى من شؤم النساء.

می باشد»^(۱).

بنابراین چرا باید در فتنه واقع شوند، وقتی تعدد زوجین برای آنها مباح می باشد؟ در قاعده ای اصولی آمده است: «چیزی که واجب کامل نمی شود، مگر توسط آن، خود واجب است»، بنابراین حفظ شدن از واقع شدن در فتنه، امری واجب است و به همین دلیل تعدد زوجین برای کسی که از فتنه ایمن نمی شود، واجب است.

سپس می گوئیم: ما امر شده ایم که با کافران به طور عمومی، شامل یهودیان و مسیحیان مخالفت کنیم و از ملت های آنان تبعیت نکنیم و به آنها شبیه نگردیم. عدم تعدد زوجین امروزه از راه و روش کافران و داغ گذاشتن آنهاست و به علت آن به اسلام هجوم می آورند؛ پس بر ما مسلمانان واجب است تا تعدد زوجین را در نسل امروزی نشر دهیم، تا آن که اسلام حق را زنده نگه

(۱) فتح الباری (۴۱/۹).

داریم.

از اسرار تعدد زوجین در دین با حکمت این است که آن سببی برای ثروتمندی و زیاد شدن مال می باشد و باعث جلب خیرات و برکات و زیاد شدن رزق و روزی می شود، و این از اهل ایمان و معرفت و علم مخفی نمانده است. الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ﴾ [النحل: ۷۲] (و الله [متعال] برای شما از خودتان همسرانی قرار داده است و برای شما از همسرانتان فرزندان و نوه هایی قرار داده است و شما را از چیزهای پاک روزی داده است).

عایشه رضی الله عنها گفته است که رسول الله ﷺ فرمود: «تزوجوا النساء؛ فإنهم يأتينكم بالمال» (با زنان ازدواج کنید که توسط آن به شما مال می رسد)^(۱).

(۱) رواه الحاكم كتاب النكاح، باب: تزوجوا النساء فإنهم يأتينكم

در آن اشاره‌ای به این سخن الله تبارک و تعالی می‌باشد: ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [النور: ۳۲] (و مردان و زنان بی‌همسر و افراد صالح از بردگان و کنیزانتان را [که آماده‌ی ازدواج هستند] به ازدواج [یکدیگر] در بیاورید! اگر فقیر باشند الله [تعالی] از فضل خود آنها را بی‌نیاز می‌نماید و الله [تعالی] گشایشگر [و] بسیار دانا است).

صحابه‌ی فقیه ابن مسعود رضی الله عنه گفته است: «ثروت را در ازدواج بیاوید! الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ [النور: ۳۲] (اگر فقیر باشند، الله [تعالی] از فضل خود آنها را بی‌نیاز می‌فرماید)»^(۱).

پیامبر صلی الله علیه و آله برای کسی که با تعدد زوجین به دنبال

= _____

بالمال، و وثق رجاله الهیثمی فی المجمع (۲۵۵/۴).

(۱) رواه الطبری فی تفسیره، (۱۶۶/۱۹).

عفت باشد، بشارتِ کمکِ الله سبحانه و تعالی را داده است و فرموده است: «ثلاثة حق على الله عونهم: الناکح يريد العفاف، والمکاتب يريد الأداء، والغازی فی سبیل الله» (سه گروه هستند که بر الله [تعالی] حقی وجود دارد که آنها را یاری نماید: ازدواج کننده‌ای که برای عفاف ازدواج کند و نویسنده‌ی قرار دادی که قصد ادا کردن آن را داشته باشد و کسی که در راه الله [تعالی] جهاد می‌کند)^(۱).

در اینجا است که می‌گوییم: الله تعالی به آنچه که دارای مصلحت بیشتری بر بندگان در دنیا می‌باشد، آگاه‌تر است؛ و این در حالی است که الله سبحانه تعدد زوجین را مباح نموده است:

- برای مصلحت زنان که بدون ازدواج نمانند [در تمامی

(۱) رواه الإمام أحمد، (۲/۲۵۱)، والنسائی وابن ماجه، وصححه الألبانی.

دنیا تعداد زنان بیشتر از مردان است، طبق آمار رسمی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، تعداد دختران دم بخت سه برابر پسران دم بخت می باشد].

- برای مصلحت مرد تا منفعت بردن او از بین نرود.

- مصلحت امت با زیاد شدن نسل آنها.

آن قانونی از طرف شخصی است که بسیار با حکمت بوده و بسیار دانا است و رؤف و مهربان می باشد و کسی به آن طعنه ایجاد نمی کند، مگر کسی که دارای بصیرت کور بوده و این گاهی از روی کفر است و گاهی از روی نفاق و گاهی از روی لجبازی!!

﴿قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ﴾ [البقرة: ۱۴۰] (بگو: آیا شما آگاهترید یا الله [متعال]؟).

﴿قُلْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ بِدِينِكُمْ﴾ [الحجرات: ۱۶] (بگو: آیا الله را به دینتان آگاه می کنید؟).

﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ [الملک: ۱۴] (آیا کسی که آفریده است نمی داند؟ و او ریزبین و

باخبر می باشد).

﴿فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ﴾ [القمر: ۱۵] (آیا پند گیرنده ای

وجود دارد؟).

کتابهایی که درباره ی تعدد زوجین نوشته شده است:

شکر الله تعالی مؤلفات زیادی درباره ی تعدد زوجین

نوشته شده است و از آنها:

(تعدد الزوجات) از شیخ عطیة محمد سالم.

(تعدد الزوجات) از شیخ عبد الله ناصح علوان.

(تعدد الزوجات) از دکتر عبد الناصر العطار.

(تعدد الزوجات) از شیخ إبراهيم بن محمد الضبیعی.

(تعدد الزوجات) از دکتر أحمد علی طه رمان.

(تعدد الزوجات) از شیخ إبراهيم محمد الجمل.

(الإسلام وتعدد الزوجات) از دکتر محمد مسفر الزهرانی.

(فقه تعدد الزوجات) از شیخ مصطفى العدوی.

(تعدد الزوجات أم تعدد العشیقات) از خاشع حقی.

(العدل فی التعدد) از دکتر عبد الله بن محمد الطیار.

(الكلمات فى بيان محاسن تعدد الزوجات) از هاشم الرفاعی.

(قالوا وقلن عن تعدد الزوجات) از محی الدین عبد الحمید.

(زوجة واحدة لا تكفى) از عماد الدین حسین.

(لماذا الهجوم على تعدد الزوجات) از أحمد الحصین.

(الحكمة والبراهین فى تعدد زوجات الرسول ﷺ) از أحمد الحصین.

(دعوة إلى تعدد الزوجات) از بنیدر الحیسونی.

(الأسوة فى تعدد النسوة) از عدنان المهیذب.

(فضل تعدد الزوجات) از خالد الجریسی.

(لماذا تعدد الزوجات) از خالد الجریسی.

(كيف تزوج عائسًا؟) از خالد الجریسی.

(رسائل فى تعدد الزوجات) از مریم بنت محمد.

(نعم تعدد الزوجات نعمة) از غالية الجحدری.

(تعدد الزوجات فى الإسلام، كيف؟ ولماذا؟) از رعد

الخیالی.

(زوجات النبی ﷺ الطاهرات وحکمة تعددهن) از محمد

الصواف.

(ردود علی شبهات حول تعدد الزوجات) از دکتر عبد

الکریم زیدان.

(أحكام التعدد فی ضوء الكتاب والسنة) از إحسان

العنابی.

(تعدد نساء الأنبياء) از أحمد عبد الوهاب.

(لکی ینجح تعدد الزوجات) از عبد الکریم بن عبد

المحسن الترمکی.

و دیگر مواردی که به صورت مستقل یا قرار داده

شده در کتابی مرجع این مسأله بیان شده است و الله

تعالی کسی است که توفیق می‌دهد و به راه درست

هدایت می‌نماید.